

صدر اصفهانی و عمران عتبات

حسین مسجدی^۱

چکیده

صدر اصفهانی یکی از رجال تاریخ اخیر ایران است که در مرمت و عمران بناهای عمومی و مزار شریف ائمه شیعه در شهرهای نجف و کربلا نقش پررنگی در دوره قاجار داشت. تذکرة مدایح الحسینیه سند اصیل و معتبر اقدام‌های او در ایران و عراق است. ساخت حصار نجف، آبرسانی از دجله و فرات به دریاچه نجف، خانه‌سازی در حومه نجف، احداث مدرسه صدر نجف، مرمت قنات نجف، بازسازی طلای مناره‌های حرم امیرالمؤمنین (ع) و تعمیر و آبادی حریم کربلا از جمله اقدام‌های مهم صدر بود که تاریخ دقیق همه آن‌ها در تذکره به صورت ماده تاریخ ثبت شده است. پژوهش حاضر براساس شیوه کتابخانه‌ای و روش تحلیل محتوا انجام شده است که در آن مهم‌ترین فعالیت‌های صدر براساس این سند خطی و تطبیق آن با منابع تاریخی بررسی می‌شود.

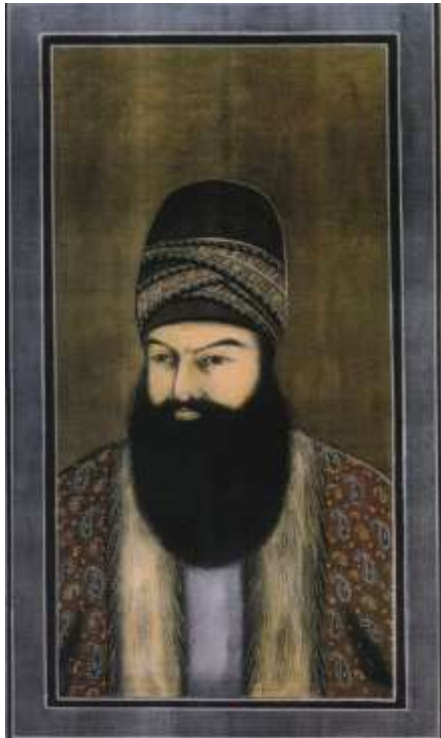
کلیدواژه‌ها: صدر، معماری و مرمت، نجف، تذکرة مدایح الحسینیه.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱. گروه ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

مقدمه



شکل شماره یک - حاجی
محمدحسین خان صدر اصفهانی
ملقب به نظام الدوله
صدر اعظم فتحعلی شاه قاجار

حاج محمدحسین خان صدر اصفهانی (۱۱۷۴-۱۲۳۹ ق) یکی از رجال مهم اصفهان و ایران است که در طول چهل سال از شصت و پنج سال حیات، مسئولیت‌های مختلف حکومتی از پایین‌ترین مراتب تا صدراعظمی را داشت. کارنامه خدمات این چهار دهه او را در ردیف رجالی مانند ساروتقی و قراچغای و پس از امیرکبیر و قائم‌مقام قرار می‌دهد؛ به طوری که استاد همایی او را یکی از دو آبادگر اصفهان در قرن‌های اخیر می‌نامد (همایی، ۱۳۸۴، ص ۴۳۱-۴۰۷).

مشاغل او به ترتیب عبارت است از: تحویل‌داری تا ۱۱۹۳ قمری، بیگلربیگی اصفهان تا ۱۲۱۲، حکومت اصفهان تا ۱۲۲۱، وزیر دوم کابینه مستوفی‌الممالک ایران تا ۱۲۲۸، نظام‌الدولگی تا ۱۲۳۴، صدراعظمی ایران تا ۱۲۳۹؛ اما آنچه صدر را صدرنشین رجال اصفهان کرده است، مشاغل او نیست،

بلکه درایت‌های اوست که چگونه از تخته دکان به تخت صدارت رسید و دیگر، ثروت افسانه‌ای اوست که همراه با سخاوت‌های بی‌بدیل بارها از کف داد. همچنین، همان‌گونه که اشاره شد، آثار و ابنیه بسیار در ایران و عتبات و به‌ویژه در اصفهان موجود است که هنوز بسیاری از آن مانند چهارباغ خواجو و مدرسه‌های صدر بازار و صدر خواجو باقی است.

با تمام این احوال، به دلیل رفتارهای برخی بازماندگان او و نیز عداوت بعضی از قجر با او پس از مرگش گویا تعمدی در زایل کردن اقدام‌ها و خدمات او به کار بوده است؛ به طوری که

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

رفته‌رفته از صدر، بیشتر نام او بود که بر سر زبان‌ها ماند. در میان مردم به قول صاحب مجمع‌الفصحاح دربارهٔ دیگری می‌گوید: «صدر شرح حالش چندان اشتهار ندارد. اگرچه نامش مشهور است» (هدایت، ۱۳۳۹، ۸۷/۲). نتیجه این غرض‌ورزی‌ها آن شد که در برخی از کتاب‌های جدیدتر قاجار هیچ نامی از صدر نباشد (بولارد و همکاران، ۱۳۹۱).

پیشینه تحقیق

باتوجه به اینکه این تذکره تاکنون به صورت خطی باقی مانده و تصحیح و چاپ نشده است، هیچ‌گونه پیشینه‌ای بر این پژوهش مترتب نیست. تنها استاد جلال‌الدین همایی در جای‌جای تاریخ اصفهان از اطلاعات آن استفاده کرده و برخی از ماده‌تاریخ‌های آن را محاسبه کرده است که در متن به آن‌ها اشاره می‌شود.

تذکره مدایح‌الحسینیه و روزگار آن

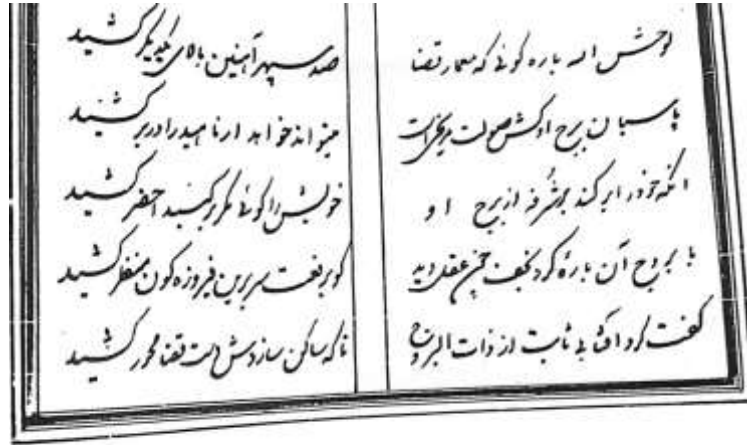
قرن سیزدهم هجری قمری دورهٔ اوج سبک بازگشت در شعر فارسی است. به این دلیل در این قرن تذکره‌های متعدّد کوچک و بزرگ فراوانی تدوین شد. یکی از این تذکره‌ها را میرزا عبدالباقی سپاهانی متخلص به «باقی» در سال ۱۲۲۲ قمری دربارهٔ مدایح و سروده‌های حدود هفتاد تن از ستاینندگان حاج محمدحسین خان صدر اصفهانی ملقب به امین‌الدوله و بناهای خَیّر او در ایران و عراق به خصوص در اصفهان (مسقط‌الرأس آن وزیر کامران بود و نیز عمارات منسوب به ائمه اطهار و تعمیر روضات آن‌ها) تدوین کرد.

این اثر تذکرهٔ مدایح‌الحسینیه نام دارد و در ارائهٔ اطلاعات و تنوع مطالب ادبی و تاریخی حائز اهمیت است. حوزهٔ ادبی اصفهان در قرن سیزدهم به دلیل آسایش اهل فضل و جذب شدن آنها به دربار فتحعلی‌شاه کم‌رمق شده بود؛ اما جمع شدن در پیرامون بزرگان شهر این کم‌رونقی را جبران کرد؛ از جمله، مداحانی که اطراف حاج محمدحسین خان، حاکم اصفهان، گرد آمدند از این زمره‌اند. حاج محمدحسین خان صدر اصفهانی (نظام‌الدوله/ امین‌الدوله) در سال ۱۲۲۱ قمری مستوفی‌الممالک شد. در سال ۱۲۲۸ به سمت وزارت استیفا منصوب و در سال ۱۲۳۴ قمری صدراعظم ایران شد (جناب، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷).

• در چنین پژوهش‌هایی جداسازی تاریخ از ادبیات بسیار دشوار است. به‌ویژه که تذکره مدایح‌الحسینیه منبع سرشاری از ماده تاریخ است. ماده تاریخ یکی از رابط‌های مهم ادبیات و تاریخ است. حدود ۲۰۰ ماده تاریخ در این تذکره عرضه شده که خوانش، محاسبه و تطبیق آن در حوزه رشته ادبیات فارسی است.

• این تذکره حدود ۲۰۰ ماده تاریخ دارد و برخی از سروده‌ها «تمام مواد» است؛ یعنی همه مصراع‌ها معادل یک تاریخ است؛ مانند: قصیده ۶۰ مصراع‌ی سحاب و قصیده ۳۶ مصراع‌ی رهی. درضمن، مواد تواریخ یک بنا گاه باهم متفاوت است. صاحب تاریخ اصفهان می‌نویسد: «توضیحاً اکثر ابنیة صدر ماده‌تاریخ‌های متعدّد دارد که گاهی با هم اختلاف دارند؛ مثل چهارباغ فتح‌آباد که مابین ۱۲۱۶-۱۲۲۰ پنج قسم ماده تاریخ گفته‌اند و برای حرم حضرت ابوالفضل‌العباس، علیه‌السلام، سیدمحمد سحاب یک قطعه تمام تاریخ سی بیتی (۶۰ ماده تاریخ) ساخته است. به حساب ۱۲۱۴ و میرزاابراهیم رهی اصفهانی همان بنا را یک قطعه هجده بیتی تمام تاریخ (۳۶ ماده) ساخته‌است. به حساب ۱۲۱۵ و همچنین، برای بازارچه و چهارسوی حسین‌آباد طوقچی ماده تاریخ‌ها از ۱۲۱۶ تا ۱۲۱۹ است که اختلاف برای طول مدت بناست که هرکدام موقعی را رعایت کرده. اول و وسط و آخر کار را تاریخ گفته‌اند. نگارنده این امر را رعایت کرده و در میان ماده تاریخ‌های متوافق هم هرکدام بهتر ساخته شده است، اختیار کرده‌ام» (همایی، ۱۳۸۴، ص ۱۱-۴۱۰). ماده تاریخ‌های محاسبه‌شده نسخه خطی کتابخانه ملی اثر استاد مرحوم همایی است. ایشان بعضی از این ماده تاریخ‌ها را به عدد درآورده‌اند و گاه نیز توضیحی سودمند بر آن افزوده‌اند؛ البته در کتابخانه مجلس هم کمتر از یک دهم این مواد محاسبه شده است؛ اما هیچ‌گونه توضیحی ندارد. از طرف دیگر، برخی از این حساب‌جمل‌ها در هیچ‌کدام از دو نسخه حساب نشده و بدون هیچ توضیحی خام مانده‌است.

جدای از ماده تاریخ‌ها، این تذکره منبع مهمی برای بررسی معماری و شهرسازی اصفهان در نیمه نخست دوره قاجار است؛ البته از اقدام‌های عمرانی صدر در کاشان، کرج، نجف و دیگر بقاع متبرکه عراق نیز سخن رفته و مواد تواریخ آن عرضه شده‌است؛ اما تمرکز تذکره بر اقدام‌های صدر در اصفهان است.



پژوهشنامه
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۹۹

الزمن

شکل شماره دو- یکی از صفحات نسخه خطی تذکرة مداخل الحسينیه در باب حصار نجف

آثار عمرانی صدر

صدر علاوه بر حُسن تدبیر در طول ادارة قسمتی از سلطنت قاجاریه، آثاری به یادگار گذاشت و نیز تعمیراتی در برخی مسجدهای مشهور، مدرسه‌ها و تکایای اصفهان انجام و موقوفاتی نیز به جهت آنها اختصاص داد؛ بنابراین تأثیر مهمی در شهرسازی اصفهان داشت. از خانواده‌ای گمنام نشوونما یافت و در دوره فتحعلی شاه به مقام صدارت و حکومت اصفهان رسید. مردم اصفهان درباره آغاز زندگانی او گفتند که در ابتدا علافی بیش نبوده و به همین جهت، گویا فتحعلی خان صبا، ملک الشعراء دوره فتحعلی شاه قاجار، درباره او گفته است:

از گاه‌کشی به کهکشان شد بر تخت ز تخته دکان شد

منبع: گل محمدی، ۱۳۶۸، ص ۴۸

البته صدر در سال اول تاج‌گذاری آغامحمدخان قاجار (۱۲۱۰ هـ) به حکومت اصفهان منصوب شد و در دوره فتحعلی شاه با سِمَت بیگلربیگی اصفهان حکومت اصفهان، قم و کاشان را به عهده داشت. پس از وفات میرزا شفیع مازندرانی (۱۹ رمضان ۱۲۳۴) او صدر اعظم فتحعلی شاه شد و تا هنگام وفات این منصب را به عهده داشت. از دوره حکومت صدر در اصفهان علاوه بر تعمیراتی که در مسجدها و مدرسه‌ها مانند مسجد جمعة اصفهان و

مدرسه ملاعبدالله انجام داد و نام او را در کتیبه‌ها آورد، آثار مستقل دیگری نیز بر جای گذاشت؛ مانند خیابان چهارباغ صدر (چهارباغ خواجو و چهارباغ نو) که برای احداث آن از نقشه خیابان چهارباغ دوره شاه عباس پیروی شد و سه مدرسه که یکی از همه مشهورتر در بازار بزرگ اصفهان واقع شده است و دیگری در محله پاقلعه و سومی در خیابان چهارباغ خواجو قرار دارد و هنوز دوتای آن به نام مدرسه صدر معروف است.

باروی نجف

اقدام‌های عمرانی و سازنده صدر منحصر به اصفهان و ایران نبود. صاحب صدراالتواریخ که بیش از نیم‌قرن با زمانه صدر فاصله ندارد، به صراحت می‌نویسد: «خیره و آثار بریّه حاجی محمدحسین‌خان صدراعظم در ایران و عربستان بسیار و هرقدر که ثبت آن‌ها به دست آمده است در اینجا نگارش می‌شود» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷، ص ۸۹). صدر به تصریح تذکره، حصار گردون آثاری برای نجف اشرف ساخت که شاعر تذکره‌پرداز دیگر وفای زواره‌ای قصیده مفصل و مفخمی برای آن سرود و ماده تاریخ اتمام آن را در قصیده مطابق ۱۲۲۵ درآورد (ذیل وفا). اما نکته‌ای که در اینجا (باوجود گریز از بحث اصلی) ضروری به نظر می‌رسد، این است که در برخی از کتاب‌های سیاحتی و گردشگری جدید در باب نجف به قلعه‌ای اشاره شده که صدر در آن شهر ساخت و سپس گفته شده است: «این قلعه که به دست آن مرحوم بنا شده دارای برج‌های متعدّد است و زواری که از آن دیدن نموده، متفق القول می‌گویند مرحوم صدر با بنای این قلعه خدمت بزرگی به زوّار مشهد حضرت امیر نموده است» (شایسته و قاسمی، ۱۳۸۳).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴



شکل شماره سه- تصویر هوایی نجف و حصار اطراف آن مربوط به حدود صد سال پیش

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،

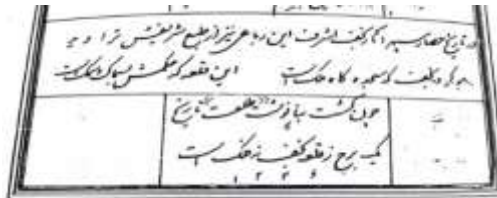
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۰۱

توهم قلعه صدر

هر که این مطالب را می‌خواند، تصور می‌کند به نجف که مشرف می‌شود، قلعه‌ای قدیمی و گرد می‌بیند که می‌تواند مانند زوّار دیگر از بروج آن دیدن کند و از آن بالا رود و شهر نجف را در آن چشم‌انداز تماشا کند؛ اما چنین چیزی اکنون و هیچ‌گاه در نجف وجود نداشته است، بلکه این مطالب حاصل کپی‌کردن و رونویسی بی‌مبنا و بدون ارجاع این رسائل است. عین این جمله را کپی‌برداران از رساله‌ای که ده، بیست سال قبل از آنها منتشر شده است، مصادره کرده‌اند (افشاری، ۱۳۷۶، ص ۵۳) و جالب آنکه نویسنده آن نیز همین مطلب را بدون یک واو کم و زیاد از روی مقاله‌ای از پنجاه سال قبل از خود بدون آدرس نقل کرده است (صدرهاشمی، ۱۳۲۵، ص ۵۱) و آن مرحوم نیز اگر نجف رفته باشد، بدون اینکه چنین قلعه‌ای دیده باشد، این بند را بدون کم‌وکاست از صدرالتواریخ منتقل کرده که حدود صدسال قبل از خودش نوشته شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷، ص ۹-۸۹). واقع آن است که نویسنده صدرالتواریخ یا هر کسی که آن یادداشت را به او داده به بارو یا سوریا حصار می‌گفته «قلعه»! واژه قلعه همان حکم واژه بُرج را دارد که گرچه مناره گونه‌ها را به یاد می‌آورد، به معنای بارو و دیوار شهر نیز است. «بُرج به معنی بارو و حصار، قرصی از یونانی که طبیعتاً Burg آلمانی را به خاطر می‌آورد» (معین‌فر، ۱۳۸۹، ص ۳۹۹). صدر در سفرهایی که در جوانی به عتبات داشت، به تدریج فکر آبادانی آنجا در وجودش رخنه کرد. نجف آن روزگار مانند دیگر

شهرهای عراق عرب در تسلط حکومت عثمانی بود. ساخت بارو یا سور و یا به تعبیر برخی منابع حصار یا قلعه دور نجف در سال ۱۲۲۵ قمری نخستین اقدام صدر در آن دیار بود (بامداد، ۱۳۷۸، ۳/۳۸۰).



شکل شماره چهار- ماده تاریخ و رباعی حصار شهر نجف در نسخه خطی تذکره

پژوهشنامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۰۲

نقد عملکرد صدر در خارج از ایران

به طور طبیعی، بردن سرمایه‌ای گزاف به بیرون مرزها و هزینه‌کردن مانند امروز اعتراض‌هایی را به همراه داشت.

صاحب کتاب فوایدالبهائیه (صفحه ۲۶) درباره این قلعه می‌نویسد: «ارباب بصیرت التفات دادند که در چنین وقت اقدام به اتمام چنین بنایی آنگاه در ملک دور و خارج، چه قدرها مصارف و مخارج می‌خواهد» (صدرهاشمی، ۱۳۲۵، ص ۵۱).

گویا آبرسانی از دجله و فرات و کشیدن حصار عظیم نجف آن چنان از او توان گرفت که «صدر خود می‌فرمود آنچه داشتم به قلعه نجف... صرف کردم» (جابری انصاری، ۱۳۷۸، ص ۳۱). اما اینگونه نبود که صدر در سرزمینی دیگر فقط هزینه کند و درآمد آورده‌ای برای سرمایه‌اش نداشته‌باشد.

معامله صدر با حکومت نجف

در ایام ریاست صدر مذاکراتی با آن حکومت صورت می‌پذیرد که گزارش اجمالی آن را به روایت صدرالتواریخ می‌توان دید: «از جمله بنای قلعه متبرکه نجف اشرف است که در دور شهر کشیده و اهل شهر را از بسی خطرهای نجات داده است و در وقت شروع به این کار آب دریای نجف به این طور نزدیک بیرون شهر نبوده که به سهولت به مصارف گل‌کاری برسد. با این حالت، نهایت جدّ و جهد را به کار برده، پول‌های زیاد به جهت آب‌کشی از دریا صرف نمود و از دریا آب به نزدیک شهر آوردند و این حصن را به دور شهر برپا نمودند و از گچ و

آجر آن حصار را به پایان بردند و مرحوم آقامحمد اصفهانی متخلص به طلعت از برای ماده تاریخ این بنا این دو بیت را سروده است:
این قلعه که حکمش ز سما تا سمک است
بر گرد نجف که سجده‌گاه ملک است

طلعت به بدیهه بهر تاریخش گفت
یک برج ز قلعه نجف نه فلک است

معادل سال ۱۲۲۶ق

باید دانست که صدراعظم اصفهانی با کارگزاران عثمانی قرار بست که دور نجف قلعه بکشند و زمین زیادی که بین دیوار قلعه و خانه‌های آباد واقع می‌شود، متعلق و ملک او باشد. آنها قبول کردند. او هم قلعه‌ای به دور خانه‌ها کشید و زمینی که در محاط قلعه واقع شد و لم‌یزرع بود ملک او شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷، ص ۹-۸۹).

بازسازی بنای سور نجف و گسترش آن و ایجاد دروازه شیعیان

«چون اهل نجف بسیار هراسان بودند و سور نجف چندان ارتفاع نداشت و خوف آن بود که مرّه ثانیه بازگشت کنند و لذا علما اعلام به اطراف نوشتند هر کجا شیعه بود به آنها اطلاع دادند که نجف را سوری لازم است مرتفع. شیعیان غیور از متولین اقدام کنند و حفظ این بقعه مبارکه را بنمایند. جواب استغاثه آنها را کسی نداد، مگر یک مردی از اهل هندوستان که قدم پیش گذارد و در سنه هزار و دویست و سی و دو مشغول ساختن سور شدند؛ و لکن موفق به اتمام آن نشد، بلکه به مقدار ربع سور از طرف قبله نجف به اتمام رسید و آن هندی از میان رفت. مرحوم شیخ جعفر کبیر، صاحب کشف الغطاء، به فتحعلی شاه قاجار که سلطان آن عصر بود، نوشت و چگونگی مطلب را به او فهمانید. او هم همتی نکرد؛ و لکن حاج محمد حسین خان صدراعظم اصفهانی که از شیعیان مخلص بود و حاتم آن عصر شمرده می‌شد و از مدارس و خوانات و قناطر بی حساب در هر بلدی از بلاد ایران بنا کرده بود، چون این خبر شنید، خودداری نکرده استادان و مهندسان قابل از اطراف بلاد ایران روانه کرد و پی‌درپی احوال دراهم و دنانیر به آنها برساند تا آنکه عمل سور را انجام دادند و در سنه هزار و دویست و سی و سه به انجام رسانیدند» (ثقة الاسلام، ۱۳۷۹ ق، ص ۷۸).

مقبره یا مدرسه؟

حقیقت ماجرا از گزارش‌های اصیل تواریخ معتبر نجف روشن می‌شود. یکی از این تاریخ‌ها رساله موجز و مفید «لؤلؤ الصدف فی تاریخ النجف» است. در این رساله به صراحت آورده شده است که شهر نجف پیش از صدر هم دیوار یا بارو (سور) داشته است؛ اما ویران و کوتاه بوده است و صدر آن را بازسازی کرد و بلندتر ساخت و سپس دروازه‌ای مخصوص عبور و مرور شیعیان نجف اضافه کرد تا اختلافات پیشین کاهش یابد. به جزء آن اقدام‌های دیگر نیز در نجف انجام شد که گزارش آن را از خود رساله به شرح زیر است «و مقبره‌ای به جهت او در حوالی سور ساختند و اطراف صحن آن مقبره را حجرات بنا کردند و آنها را محل نزول فقرا زوار قرار دادند. کم‌کم آن مقبره را طلاب علوم دینی در او ساکن شدند و عنوان مقبره مبدل گشت به مدرسه و در این زمان که سنه هزار و سیصد و سی و دو است از مدارس بسیار خوب است و قبر آن مرحوم در آنجاست و از موقوفه آن مقبره سبیل خانه‌ای در جنب آن مقبره بنا شد و همیشه پر از آب است و زوار و عابری سبیل از آن می‌آشامند و دائماً شب‌های جمعه در آن مقبره اطعام و تعزیه‌داری حضرت سیدالشهدا (ع) می‌شود» (ثقة الاسلام، ۱۳۷۹ ق، ص ۷۸).

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیعدوره جدید، سال اول،
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۰۴



شکل شماره پنج- ماده تاریخ مرگ صدر و دفن او در مدرسه صدر نجف

تنقیه و گسترش قنات نجف

صدر پیش از این اقدام توان خود را در احیا و تعمیر قنات‌ها و نهرهای اصفهان آزموده بود؛ از جمله شاخصه‌های اصفهان قدیم نهرها و جوی‌های متعدد آن بود که به‌مثابه رگ‌های شهر آن را زنده نگاه می‌داشت و در اصفهان هنوز هم به آن مادی می‌گویند. هم‌اکنون، جای بسیاری از این مادی‌ها باقی و مرمت شده است؛ اما با افسوس باید گفت دست‌کم سی سال است که عموم آنها خشک و تنها یادآور اصفهان گذشته است. «از جمله کارهای اساسی صدر تعمیر مادی‌ها و قنات بود که آبی تازه به روی کار اصفهان آورد؛ از جمله مادی نظام‌آباد، معروف به جوب سیاه را در سال ۱۲۱۹ تعمیر و حقایبه‌های باغات و عمارات داخل و خارج شهر را دایر ساخت. در مداخل الحسینیه به‌طور کلی شرحی در این باره نوشته و از نهر نام نبرده است. شیخ محمدرحیم مایل تخلص در ماده تاریخ این انهار گوید:

چو طی شد ز کلّ، گفته نغز مایل دو مصرع رقم زد به تاریخش اندر
ز جوی وز جدول ز حوض وز آبش بهر سو بُود سلسبیلی و کوثر

معادل سال ۱۲۱۹ق

منبع: همایی، ۱۳۸۴، ص ۴۲۰

یادآور می‌شود که «جدول» در متون گذشته به معنای جوی آب است.

شادروان ثقة‌الاسلام می‌نویسد: «بعد از اتمام عمل سور، مرحوم صدراعظم در آن آرض اقدس مشرف شد. دید اهالی این بلده شریفه از تشنگی در معرض تلفند؛ چراکه قناتی که از نهر مکریه در زمان شاه‌عباس به امر او حفر کرده بودند، خراب شده و آب از نجف قطع گردیده. مردم باید بروند از دو فرسخی شهر آب بیاورند و بیابان عربستان ناامن است. بر آنها نهایت مشقت را دارد و لذا میرزاتقی مهندس را که همراه او بود، امر داد تا قنات مذکور را تنقیه کند. پس نهر مکریه را از جلّه حفر کردند تا به خندق به بعد را قنات نمودند و از وسط وادی‌السلام عبورش دادند و از نزدیک مقام حضرت حجت، عجل‌الله تعالی فرجه، می‌رود و در زمین دریای نجف می‌ریزد» (ثقة‌الاسلام، ۱۳۷۹ق، ص ۷۹).

بازسازی طلای مناره‌های نجف و ایجاد دروازه جدید

نویسنده تاریخ نجف می‌افزاید: «در سنه هزار و دو بیست و سی و شش بنا بر نقل فاضل

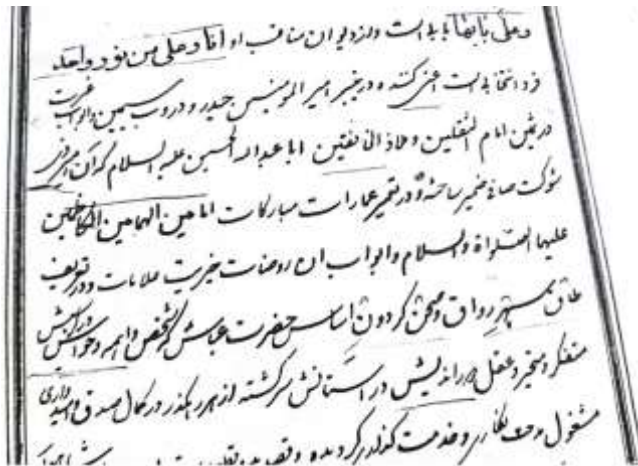
معاصر تجدید طلای مناره‌ها شده به امر صدراعظم سابق‌الذکر و در همان زمان‌ها بود که زمین منخفضی که طرف قبلی نجف است بلکه حقیقت نجف آن است که در سابق دریا بود و بعد خشک شده بود. مجدداً آب فرات زیادتی کرده و به آن طرف میل نمود و آن زمین دریاچه‌ای شد. قدری اسباب توسعه به جهت اهالی بلدة مبارکه گردید؛ ولیکن چون دروازه نجف یکی بیش نبود و از طرف دروازه مسافت زیاد بود تا لب دریاچه و اطراف نجف بسیار ناامن بود به قسمی که اعراب انیزه، پشت دروازه نجف سرقت می‌نمودند و مردم را برهنه می‌کردند و لذا بعضی از تجار که به زیارت آمده بودند بعد از زحمت بسیار حکومت بلد را توصیه کردند و دروازه جدید در طرف محله عماره که اقرب امکانه بود به دریاچه مفتوح نمودند و سنگی نوشت و در آن لعنت فرستاد بر کسی که این دروازه را سد کند. مدتی این دروازه بود تا آنکه به جهت ناامنی که در بلد پیدا شد، مأمورین عثمانی آن را سد کردند و الی الان مسدود است» (ثقة الاسلام، ۱۳۷۹ ق: ص ۸۲-۷۹).

مدرسه صدر نجف

چنان‌که ملاحظه شد زمین این مدرسه از اساس برای مقبره خانوادگی صدر در نظر گرفته شده بود و به تدریج به مدرسه بدل شد. مدرسه صدر نجف شاید پس از حصار آن ساخته شد؛ اما پیداست در سال‌های صدارت عظمای صدر آماده‌بوده و استفاده می‌شده است که پدر او را در آنجا دفن کردند. در آن روزگار و دست‌کم یک قرن بعد «مدرسه صدر نجف پس از مدرسه سید محمد کاظم یزدی بهترین بنای نجف بوده است» (بامداد، ۱۳۷۸: ۸۱/۳-۳۸۰). صدرالتواریخ سقاخانه‌ای منضم به این مدرسه را نیز گزارش کرده است (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۷: ۹۰).

درست است که این مدرسه ابتدا در حواشی نجف واقع شده بود، اگر پژوهش درست و دقیقی در باب ساکنان آن صورت گیرد، معلوم می‌شود که رجال عدیده‌ای را در تاریخ فقاقت و سیاست پرورش داده است. یکی از آن رجال حاج میرزا آقاسی، صدراعظم دوره محمدشاه، است. پیوند این درویش ترک با خاندان قاجار در منابع موجود معلوم نیست و منابع تاریخی در معرفی او، معلمی ولیعهد جوان را در تبریز آغاز کار و ارتباط او با دربار دانسته‌اند؛ اما

سید محمدعلی مبارکه‌ای، خطیب و جهانگرد فاضل سده گذشته، در یک جُنگ خطی گزارش جالبی از دوران فقر و مسکنتِ طلبگی او در این مدرسه و سپس صدرات او و در آخر، برگشت او در روزگار انزوای ناخواسته به همان حجره مدرسه صدر ارائه می‌دهد. برابر این یادداشت مغتنم فتح‌علی شاه [آز صدر؟] می‌خواهد، آخوندی امین و متدین را [برای تربیت ولیعهد] معرفی کند. برخی از علمای نجف نیز او را پیشنهاد می‌کنند. پس از انس با ولیعهد آن چنان بر محمد میرزا تأثیر می‌گذارد که بعدها صدراعظم او می‌شود؛ اما در دوره ناصرالدین شاه از دخالت در امور ممنوع و معزول می‌شود. آن چنان که به نجف و مدرسه صدر و همان حجره جوانی برمی‌گردد و نمایش جالبی را برای علمای نجف که به دیدنش آمده‌اند، اجرا می‌کند که گویی همه اینها خوابی کابوس‌وار بوده‌است (مبارکه‌ای، ۱۳۹۳، ص ۴۷).



شکل شماره شش - ساخت درحرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام و سیدالشهدا و نیز مرمت حرم کاظمین

مرمت بقاع و ساخت درهای حرم‌های عراقین

صدر به اهل بیت (ع) و خاندان آنها دل بسته بود و در اصفهان و تهران این عُلقه را نشان می‌داد. در تهران به جزء دیدارهای رسمی تعزیه و روضه خوانی نیز در خانه خود برپا می‌کرد. جیمز موریه به همراه هیئت رسمی انگلیس شاهد یکی از آنها بوده است: «همه این صحنه گریه و زاری بسیاری در تماشاگران پدید آورد» (موریه، ۱۳۸۶، ص ۲۳۳).

از دیگر خدمات صدر به عتبات و روضات مقدس اهل بیت، معماری و تعمیرات در کربلا و ساخت درهای حرم‌ها و ضریح است. در تذکرة مدایح الحسینیة آمده است که صدر در سال ۱۲۱۸ پس از تعمیرات حرم نجف به نجاران یوسف شعار فرمود دری از صندل و عود سازند و زرگران نیکوکار سطح آن را مانند سطح سیم‌گون فلک از زر و سیم پردازند (ذیل شرح احوال و آثار شاعری با تخلص خرد). محمدحسن خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد: «بنای اصلی و اساس روضه و قبه و بارگاه گردون‌کریاس حضرت عباس علیه‌السلام از حاجی محمدحسین خان صدر اصفهانی است و هشت درب بزرگ عالی مفضّض از سببکه نقره خام و دو در روضات منوره نجف و کربلا و روضه حضرت عباس و کاظمین، علیهما‌السلام و یکی در روضه متبرکه حضرت معصومه، سلام‌الله‌علیها، وقف کرده و برپا نموده است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۹۰؛ بامداد، ۱۳۷۸: ۳/۳۸۰).

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴



شکل شماره هفت- مرمت حرم حضرت عباس و درج قصیده تمام تاریخ سحاب در آن

قصیده تمام مواد سحاب

یکی از اشعاری که سحاب، شاعر مداح صدر به سفارش او برای تاریخ مرمت حرم حضرت عباس (ع) ساخت، قصیده زیر است که همة مصراع‌های آن معادل ۱۲۱۵ است.

به عهد فتحعلی، پادشاه مُلک عجم	به عهد شاهی او یافت زیب و زین و طراز
بود ز صولت وی، گرگ و میش هم‌پایه	شده بدولت وی، باز و صعوه هم پرواز
امین، حاج محمدحسین خان که برد	عطای کافی او، خلق را همی به حجاز
جهان دولت و جان جهان، که بی‌کرمش	نه دفع حرص شود زین جهان، نه چاره آرز
بهشت و چار، چو جان می‌کند فدا، باید	که چار و هفت، کشد ناز او، بجان ز نیاز
همی بدولت عالم، بکار دین گردید	نجیب بود و بانجام دید از آغاز
ز نو، بمرقد پر نور اطهرِ عباس	نمود طاق و رواقی بنا چو عرش حجاز
برای گنبد او، با طلا، دری آراست	که راستی در کعبه بود، بحدّ طراز
دری که، هرکه در او پانهادی از سر صدق	برای او همه‌جا، در بفتح گردد باز
دری که، پلّه دربان او، چنان عالی است	که از سگش بجهان می‌کشند مردم، ناز
در او، ز شمسّه او، کسب کرده مه، صیقل	درو، ز حلقه وی، یافته فلک پرواز
در سرایی و قصری که بر وی آسودی	امیر مکی و سلطان یثرب و اهواز
زمانه از صدف آل‌حیدر آورده است	چنان گهر که به عالم نباشدش، انباز
جهان ندیده دری مثل او، اگرچه جهان	ز صلب حیدر صفدر، گهر نیارد باز
اگر بسنگ قدر، پای صعوه می‌شکند	جناب او بکند، نی بناخن شهباز
خلاصه دید چو آن جام این در اعلا	بحکم خان صفاهان، حسینِ عبدنواز
«رهی» ز طالع حاجی حسین خان، طبعاً!	نموده قطعه انشا تمام وی اعجاز
بروی این حرم از آسمان، دری شد باز	که لازم است طوافش، بانس و جان چو نماز ^۱

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۰۹

^۱ استاد همایی در حاشیه تذکره، ذیل این شعر می‌نویسد: «توضیحاً این قطعه سحاب به سال ۱۲۱۵ که سال ختم و تذهیب گنبد حرم حضرت عباس علیه‌السلام است ساخته شده و قصیده تمام ماده تاریخ سیدمحمد سحاب که پیش ذکر شد و در ترجمه حال رهی نیز اشاره کرده است ۱۲۱۴ بود که سال شروع بنا بوده است. اما انصاف باید داد که قطعه سحاب، هیچ قابل قیاس با رهی نیست. سحاب، خیلی بهتر از عهده برآمده و همان‌طور که در حواشی قبل نوشتم بسیار هنرنمایی کرده که با وجود التزام و تکلف ماده تاریخ اشعار، بسیار طبیعی و صحیح از کار درآمده. و الحق باید گفت توجه صاحب کار بوده است. ضمناً مصراع اول قطعه رهی به این صورت که در متن نوشته است، درست در نمی‌آید. مگر این که «به عهد فتحعلی پادشا که ملک عجم» باشد. در این صورت ۱۲۱۵ می‌شود و گرنه ۱۱۹۵ است».

نتیجه‌گیری

صدر اصفهانی با وجود گرفتاری‌های حکومتی و نیز مخالفت برخی غیر از اقدام‌های گوناگون عمرانی در ایران عاشقانه به مرمت و ساخت‌وساز در عتبات‌عالیات نیز پرداخت و مدرسه صدر را در نجف احداث کرد که مقبره خانوادگی او نیز شد. حصار و قنات نجف را هم آباد و حرمین شریفین کربلا را مرمت کرد. در حصار نجف دروازه‌ای مستقل برای شیعیان احداث کرد. این حصار عظیم برخلاف تصور برخی از منابع متأخر قلعه‌ای در درون نجف نیست. ساخت درب تازه برای حرم کاظمین نیز از دیگر اقدام‌های صدر بود.

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۱۰

منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، صدرالتواریخ (به کوشش محمد مشیری)، تهران: روزبهان. چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- افشاری، پرویز، صدر اعظم‌های قاجار، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، تهران: زوار، ۱۳۷۸.
- بولارد، ریدر ویلیام؛ سنت لویی، رابینو و جرج پرسی، چرچیل، رجال و دیپلمات‌های عصر قاجار و پهلوی (ترجمه غلامحسین میرزاصالح)، تهران: معین، ۱۳۹۱.
- ثقة‌الاسلام، آقاسیدعبدالله، لؤلؤالصدف فی تاریخ التّجف، مهربان، ۱۳۷۹.
- جابری انصاری، میرزا حسن خان، تاریخ اصفهان (به کوشش جمشید مظاهری)، اصفهان: مشعل - بهی، ۱۳۷۸.
- جناب، میرسیدعلی، رجال و مشاهیر اصفهان (به کوشش رضوان پورعصار)، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، ۱۳۸۵.
- شایسته، محمودرضا و قاسمی، منصور، اصفهان بهشتی کوچک اما زمینی، اصفهان: نقش خورشید، ۱۳۸۳.
- صدرهاشمی، محمد، احوال بزرگان: حاجی محمدحسین خان صدر اصفهانی ملقب به نظام‌الدوله، مجله یادگار، (۱۸)، ۵۷-۴۱، ۱۳۲۵.
- گل محمدی، حسن، فتحعلی‌شاه قاجار و قضاوت تاریخ. تهران: نسل دانش، ۱۳۶۸.
- مبارکه‌ای، سیدمحمدعلی، گزیده دانشوران و رجال اصفهان (به کوشش رحیم قاسمی)، قم: کتاب‌شناسی شیعه، ۱۳۹۳.
- معین‌فر، محمدجعفر، پیرامون چند لغت فرضی یونانی و لاتینی: پژوهش‌های ایران‌شناسی (به کوشش

ایرج افشار و کریم اصفهانیان)، جلد ۱۹، ۱۳۸۹.
-همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۴). تاریخ اصفهان: مجلد ابنیه و عمارات و آثار باستانی (به کوشش ماهدخت همایی). تهران: هما.

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴